

عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت: مزایا و چالش ها

ناز آفرین ناظمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

نام نویسنده مسئول:

ناز آفرین ناظمی

چکیده

سازمان جهانی تجارت نهادی بین المللی است که قواعد تجارت بین الملل را مشخص می کند. این سازمان از ابتدا تلاش کرده با افزایش تعداد اعضاء تجارت آزاد را در جهان بهبود بخشد. تقریباً دو سوم اعضاء سازمان جهانی تجارت را کشورهای در حال توسعه تشکیل می دهند که تجارت بین الملل را راهی برای پیشرفت و توسعه خود می دانند و نقش مهمی را در این سازمان بازی می کنند. این کشورها به علت تعداد زیاد شان در اقتصاد بین الملل تاثیر گذارند. سازمان جهانی تجارت نیز با ایجاد قواعد خاص و انعطافهای ویژه ای که در موافقتنامه تأسیس سازمان و موافقتنامه های مختلف برای آنها در نظر گرفته حضور بیشتر کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی^۱ در جامعه بازرگانی جهانی را تشویق می کند. این قواعد موجب می شود که تا حدودی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توازن ایجاد شود و منافع کشورهای در حال توسعه بیشتر در نظر گرفته شود. اگرچه عضویت در این سازمان مزایایی را برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی در بر دارد، اما این تنها یک روی سکه است. این کشورها با عضویت در سازمان با چالشهایی مواجه می شوند که ممکن است خود به عاملی بازدارنده برای آزادی تجارت بدل شود. در این مقاله برآنیم که با بررسی مزایا و معایب عضویت در سازمان جهانی تجارت، موقعیت کشورهای مذکور را در این سازمان بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: سازمان جهانی تجارت، کشورهای در حال توسعه، کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی، رفتار ویژه و متفاوت.

¹ Least developed countries (LDCs)

مقدمه

سازمان جهانی تجارت سازمانی است که به منظور نظارت و آزاد سازی تجارت بین المللی ایجاد شده است. این سازمان از اول ژانویه ۱۹۹۵ بر اساس موافقتنامه مراکش آغاز به کار کرد و جایگزین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) گردید. هدف اصلی سازمان جهانی تجارت این است که اطمینان حاصل کند تجارت در سطح بین المللی تا حد امکان با ثبات، قابل پیش بینی و آزاد جریان داشته باشد که این امر از طریق ایجاد قواعد لازم و رعایت آنها توسط اعضا امکان پذیر است.

سازمان وظایف متعددی را بر خود فرض کرده است که مهمترین آنها نظارت بر اجرای موافقتنامه ها و ایجاد شرایط مذاکره و حل و فصل اختلافات تجاری اعضا است. به علاوه سازمان سیاستهای تجاری ملی اعضا را نیز بررسی و بازنگری می کند تا از شفافیت و انطباق آنها با سیاستهای تجاری بین المللی اطمینان حاصل کند. سازمان چارچوبی را برای روابط تجاری میان اعضا طراحی کرد و از همان ابتدا تلاش کرد شرایط مساعدی را برای عضویت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی فراهم آورد و آنها را به منظور انطباق با قواعد سازمان با ارائه کمکهای فنی و آموزشی یاری می کند. این موضع در مذاکرات دوحه به اوج خود رسید. در اعلامیه وزیران دوحه اعضا توافق کردند که رفتار ویژه و متفاوت^۱ با کشورهای در حال توسعه باید جزء لاینفک در تمامی مذاکرات و در تمام جداول مربوط به امتیازات و تعهدات باشد و قواعد و ترتیبات این رفتار باید به گونه ای باشد که عملاً موثر واقع شده و کشورهای در حال توسعه و نیازهای مربوط به توسعه آنها در نظر گرفته شود. (Rena, 2006:73) این تصمیمات تلاشی برای کمک به کشورهای فقیر و یاری آنها در انطباق با پروسه جهانی سازی تجارت بود. اگرچه سازمان حداقل در بعد ثنوری فعالیتهای زیادی در زمینه بهبود شرایط عضویت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی داشته است با این حال هنوز خلاءهای زیادی در این رابطه وجود دارد. در این مقاله به بررسی دو وجه مزایا و معایب عضویت برای کشورهای مذکور می پردازیم.

۱. مزایای عضویت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی در سازمان جهانی**تجارت**

موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت که نتیجه مذاکرات دور اروگوئه ۹۴-۱۹۸۶ بود فرصتهای زیادی را برای کشورهای در حال توسعه به ارمغان آورد که مذاکرات دوحه نیز به دنبال تقویت آنها بود. در مقدمه موافقتنامه ایجاد سازمان جهانی تجارت از ضرورت تلاش برای رسیدن به تخصیص سهمی متناسب با اقتضائات توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه در رشد بازرگانی بین الملل سخن گفته شده است. در مقدمه موافقتنامه کشاورزی^۲ و موافقتنامه موانع فنی تجارت^۳ نیز از عبارات مشابهی استفاده شده است. در موافقتنامه اخیر و موافقتنامه مربوط به اجرای اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی به کشورهای پیشرفته توصیه شده است که در بکار بستن اقدامات بهداشتی و سایر مقررات مربوط به موانع فنی در برابر تجارت، نیازهای ویژه کشورهای در حال توسعه را مورد توجه قرار دهند.^۴ و رای این اشارات کلی، در تمامی موافقتنامه ها قواعدی برای رفتارهای ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است که این مقررات به مرور زمان تقویت گردیده تا سهم این کشورها را برای مشارکت در بازارهای جهانی افزایش دهد. مهمترین دستاوردهای این کشورها را در ادامه مورد مذاقه قرار خواهیم دادیم.

۱-۱. تسهیل تجارت بین المللی

هدف اصلی سازمان جهانی تجارت این است که تجارت را میان اعضای خود تسهیل کرده و بهبود بخشد و به کاهش موانع تجاری کمک کند. بعلاوه اعضا مکلفند که دسترسی به بازارها را برای کشورهای عضو از طریق تضمین اعمال نرخهای تعرفه ای دول کامله الوداد^۵ تسهیل کنند. این سازمان به کشورها امکان می دهد که کالاهای جدید تولید کنند و کالاهای موجود را به مقاصد جدید بفرستند. این امر برای کشورهای در حال توسعه یک موهبت تلقی می شود. سازمان باید اطمینان حاصل کند که کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی با در نظر گرفتن نیازهای آنها در رابطه با توسعه اقتصادی سهمی در توسعه اقتصادی جهانی دارند که این امر

^۱ Special and Different Treatment^۲ Agreement on Agriculture^۳ Agreement on Technical Barriers to Trade (TBT)^۴ ماده ۱۰ موافقت نامه مربوط به اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی، و ماده ۱۲ موافقت نامه مربوط به موانع فنی تجارت.^۵ Most Favored Nation (MFN)

مستلزم مشارکت همه اعضا است. اعضاء سازمان باید با تقویت فرصتهای تجاری که مربوط به محصولات مطلوب کشورهای کمتر توسعه یافته است موجبات حضور موثر آنها را در تجارت جهانی فراهم آورند.^۱

مقررات مربوط به تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی شامل اقدامات یکجانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای رفتار ترجیحی به کشورهای در حال توسعه در قالب "نظام عمومیت یافته ترجیحات"^۲، ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه های جغرافیایی خاص به استناد معافیتهای موقت از ماده یک گات ۹۴ اصل دولت کامله الوداد، حذف کامل عوارض گمرکی کالاهای صادراتی کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی توسط کشورهای توسعه یافته، امکان ایجاد ترتیبات تجاری جنوب - جنوب با تعدیل شرایط ماده ۲۴ گات، به استناد شرط توانا سازی^۳ و توجه بیشتر به آزادسازی تجاری کالاهای مورد علاقه صادراتی کشورهای در حال توسعه، به استناد فصل چهار گات، می شوند.

۱-۲. فرصتهای صادراتی و کمک به توسعه صنایع نوپا

از جمله مزایای سازمان جهانی تجارت برای کشورهای در حال توسعه ایجاد فرصتهای صادراتی ویژه است که مهمترین آنها عبارتند از اصلاحات اساسی در تجارت کشاورزی، توقف تدریجی سهمیه بندی صادرات پارچه و لباس از این کشورها، کاهش عوارض گمرکی در مورد محصولات صنعتی، افزایش تعداد کالاهایی که نرخ عوارض آنها تحت قواعد سازمان محدود می شود (که منجر به جلوگیری از افزایش نرخ عوارض می گردد) و کاهش موافقتنامه های دو جانبه ای که محدودیت های مقداری بر برخی کالاها ایجاد می کند. به علاوه سیستم طراحی شده توسط سازمان باعث افزایش تقاضا برای کشورهای در حال توسعه و نهایتاً افزایش صادرات آنها می شود.

سیاستهای سازمان به کشورهای در حال توسعه کمک می کند که صنایع نوپای خود را تقویت کنند. عضویت در سازمان امکان جلب سرمایه های خارجی را نیز برای آنها فراهم می کند و تکنولوژی را برای آنها به ارمغان می آورد. کشورهای در حال توسعه می توانند با کمک سازمان، قوانین و نهادهای داخلی خود را تقویت کرده و با ایجاد آزادی، شفافیت و قابلیت پیش بینی در سیستم تجاری خود پیشرفت زیادی را در مسائل مرتبط با تجارت بین المللی داشته باشند.

۱-۳. معافیتها و محدودیت تکالیف

یکی از ابعاد رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه مربوط به تکالیف این کشورها و معافیتهایی است که شامل این کشورها می شود. در مقدمه موافقت نامه سازمان جهانی تجارت و بسیاری دیگر از موافقت نامه های مربوط به این سازمان، ضرورت توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه از طریق اقدامات ایجابی^۴ یادآوری شده است. موارد مربوط به رفتار ویژه و متفاوت که ۹۷ بند را در بر می گیرد تقریباً در همه موافق نامه ها پخش شده اند و در آنها بر این نکته تأکید شده است که اعطای امتیازات و پذیرش تعهدات توسط کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی باید به میزانی صورت گیرد که با سطح توسعه و اقتضانات مالی و تجاری آنها و توانایی نهادها و تشکیلات اداری شان سازگاری داشته باشد. در ادامه برخی از موارد مرتبط با معافیتها و محدودیت تکالیف کشورهای در حال توسعه را از نظر می گذرانیم.

کشورهای در حال توسعه اجازه دارند تا ورود بعضی کالاها را به بازارهای خود محدود سازند یا از تولید کنندگان داخلی و صادر کنندگان به گونه ای که در مقررات سازمان اجازه داده نشده است حمایت کنند. در چنین مواردی، کشورهای توسعه یافته از مقابله به مثل منع شده اند. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۸)

کمیته تجارت و توسعه^۵ مرتباً قواعد خاصی که به نفع کشورهای در حال توسعه است را بازنگری می کند و در این رابطه به شورای عمومی گزارش می دهد تا اقدامات لازم انجام گیرد. کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی تنها تکالیفی را به عهده می گیرند که

^۱ مقدمه تصمیم در مورد اقدامات مطلوب کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی

^۲ Generalized System of Preferences (GSP)

^۳ شرط تواناسازی، به کشورهای توسعه یافته این اجازه را می دهد تا به کشورهای در حال توسعه، ترتیبات تجاری ترجیحی اعطا کنند. عمل براساس این شرط، ارادی و داوطلبانه است، اما کاملاً تابع قواعد سازمان تجارت جهانی است و کشورها نمی توانند آن را وسیله ای برای فرار از تعهدات این سازمان قرار دهند. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به رضائی علی، تبیین شرط تواناسازی در سازمان تجارت جهانی، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صفحه ۴۵۱-۴۶۹.

^۴ Positive actions

^۵ Committee on Trade and Development

متناسب با نیازهای اقتصادی و مالی آنها و ظرفیتهای اجرایی آنهاست.^۱ قواعدی که از طرف سازمان اعمال می شود باید برای کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی به نحوی انعطاف پذیر و همراه با اقدامات حمایتی باشد و این امر شامل شناسایی موقعیتهای متفاوت این گونه کشورها توسط شوراها و کمیته ها خواهد بود.^۲

کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی شامل ممنوعیت یارانه های صادراتی که در مورد سایر کشورهای عضو اعمال می شوند، نمی شوند.^۳ اقدامات متقابل در قبال کشورهای در حال توسعه نیز در صورتی که یارانه های وارداتی قابل اغماض باشد، باید متوقف گردد.^۴ در چارچوب سازمان جهانی تجارت، بر اساس موافقتنامه یارانه ها و اقدامات جبرانی^۵ کشورهای در حال توسعه ای که درآمد سرانه در آنها کمتر از ۱۰۰۰ دلار در سال است می توانند به اعطای یارانه های صادراتی که برای سایر کشورها ممنوع است بپردازند. سایر کشورهای در حال توسعه به مدت هشت سال از این امتیاز برخوردارند، در حالی که کشورهای توسعه یافته مهلت زمانی کوتاه تری برای بهره بردن از این امتیاز دارند. به علاوه، اگر کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی یا کشورهای در حال توسعه دارای درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰۰ دلار برای یکی از محصولات خود چنین یارانه ای اعطا کنند، سایر کشورها نباید بر آن کالا عوارض جبرانی وضع کنند، البته مشروط به آن که یارانه مزبور کمتر از سه درصد ارزش آن محصول باشد. سایر کشورهای در حال توسعه تنها زمانی از این حق برخوردار خواهند شد که ارزش یارانه اعطا شده کمتر از دو درصد ارزش محصول یاد شده باشد. همچنین اگر حجم واردات برخوردار از یارانه از کشورهای در حال توسعه کمتر از چهار درصد کل واردات آن کالا در کشور وارد کننده باشد، اقدامات جبرانی توسط کشور واردکننده مجاز نخواهد بود. اگر کشورهای در حال توسعه دارای درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰۰ دلار در مورد یک کالای خاص به قدرت رقابت دست یافته و سهم شان از صدور آن کالا به ۳/۲۵ درصد کل تجارت جهانی آن محصول در دو سال متوالی برسد، باید ظرف هشت سال اعطای یارانه های صادراتی خود را متوقف سازند. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ۳۳۰)، معافیت از کاهش تعرفه های واردات در برخی موارد برای بیشتر کشورهای جهان سوم مطلوب به نظر می رسد و ممکن است زمینه را برای افزایش قدرت رقابت محصولات آنها فراهم آورد.

بازنگری سیاست تجاری برای کشورهای توسعه یافته هر دو یا چهار سال یکبار انجام می گیرد اما برای بیشتر کشورهای در حال توسعه این بازنگری هر شش سال یکبار انجام می گیرد و این فواصل برای کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی می تواند بیشتر باشد.^۶ اصولاً در بسیاری از اسناد سازمانی جهانی تجارت برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی با در نظر گرفتن میزان توسعه یافتگی و وضعیت تجاری و مالی مهلت زمانی طولانی تری نسبت به کشورهای توسعه یافته جهت اجرای تعهدات در نظر گرفته شده است.^۷

کشورهای در حال توسعه متعهد به کاهش اقدامات حمایتی داخلی که جزئی از برنامه توسعه آنهاست نیستند. در ضمن آنها تعهدی نسبت به تغییر یارانه ها برای کاهش قیمت کالاهای صادراتی کشاورزی خود (زمانی که برای سایر کشورها الزامی است) ندارد مشروط بر اینکه این یارانه ها به گونه ای اعمال نشوند که تعهدات کاهش یافته را دور بزنند.^۸ کاهش تعرفه ها و حمایتهای تجاری برای این کشور تا حدود یک سوم نسبت به نرخ اعمال شده برای کشورهای در حال توسعه کمتر است.

در رابطه با اقدامات ضد دامپینگ توجه ویژه به وضعیت کشورهای در حال توسعه باید وجود داشته باشد و پیش از تحمیل هر گونه تعهد ضد دامپینگ باید راههای جبران سازنده ای به آنها ارائه شود به نحوی که منافع اساسی این کشورها در نظر گرفته شود.^۹

طبق موافقتنامه موانع فنی تجارت، کشورهای در حال توسعه ملزم نیستند زمانی که استانداردهای بین المللی مناسب وضعیت پیشرفت آنها نیست، این استانداردها را اساس مقررات تکنیکی، استانداردها و روشهای آزمایش خود قرار دهند. کمیته یارانه ها بر اساس درخواست کشور توسعه یافته شاک، در صورت لزوم اعمال اقدامات متقابل، تناسب آن را بر اساس قواعد برخورد متفاوت و ویژه بررسی

^۱ ماده ۱۲ (۲) توافقنامه مراکش

^۲ تصمیم در مورد اقدامات مطلوب کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی، پاراگراف (۳)۲.

^۳ موافقتنامه یارانه ها و اقدامات متقابل، ماده ۲۷

^۴ همان

^۵ The Agreement on Subsidies and Countervailing Measures

^۶ مکانیزم بازنگری سیاست تجاری، بخش C(۲)

^۷ به طور مثال موافقتنامه کشاورزی، موافقتنامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، موافقتنامه منسوجات، موافقتنامه موانع فنی تجارت و

موافقتنامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت، موافقتنامه یارانه ها و اقدامات متقابل و ...

^۸ موافقتنامه کشاورزی ماده ۹ تبصره ۴.

^۹ ماده ۶ موافقتنامه اعمال ماده ۶ گات (ضد دامپینگ)

خواهد کرد.^۱ موافقتنامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت (تریمز)^۲ این حق را به کشورهای در حال توسعه می دهد که موقتاً اقدامات ممنوعه مرتبط با این موافقتنامه را طبق قواعد گات برای حمایت از صنایع نوپا و تعادل پرداختها اعمال کنند.^۳ در رابطه با تجارت خدمات نیز کشورهای در حال توسعه از موقعیت ویژه ای در سازمان جهانی تجارت برخوردارند. بر اساس موافقتنامه تجارت خدمات (گتزر)^۴ این کشورها از شرایطی معقول جهت دسترسی و استفاده از خدمات و شبکه های مخابراتی عمومی بر اساس میزان توسعه یافتگیشان برخوردارند که مستلزم تقویت زیرساختهای داخلی مخابراتی و افزایش مشارکت در تجارت بین المللی از طریق خدمات مخابراتی است. گات ۹۴ در بخش چهارم در رابطه با تجارت و توسعه شامل قواعدی در رابطه با مفهوم عدم عمل متقابل^۵ دارد به این معنا که زمانی که کشورهای توسعه یافته در مذاکرات تجاری با کشورهای در حال توسعه امتیازاتی را به آنها اعطا می کنند نباید از این کشورها کشورها انتظارات مشابهی را داشته باشند.

۴-۱. کمک های فنی و حقوقی

فقدان نیروی متخصص و دانش کافی یکی از عواملی است که تطبیق کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی با قواعد بین المللی تجارت را دچار اختلال می کند. بنابراین سازمان در موافقتنامه های مختلف قواعدی را در رابطه با کمکهای ویژه به این کشورها در نظر گرفته است. طبق سیاستهای سازمان کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی باید کمکهای فنی بیشتری را دریافت کنند تا بتوانند تولیدات و صادرات خود را تقویت کرده و توسعه دهند.^۶ درخواست کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی و کشورهای در حال توسعه برای کمکهای تکنیکی و مالی به منظور بهبود زیرساخت و بهره وری کشاورزی در برنامه کمکی آن عضو مورد توجه کامل قرار خواهد گرفت.^۷

در مذاکرات سنگاپور ۱۹۹۶، وزرا در رابطه با "طرح اقدام برای کشورهای با حداقل میزان توسعه یافتگی" توافق کردند که شامل کمکهای فنی به این کشورها می شود و این کشورها را برای مشارکت بهتر یاری می نمود و کشورهای توسعه یافته را متعهد می کرد که دسترسی به بازار را برای محصولات کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی را تقویت کنند. یکسال بعد در اکتبر ۱۹۹۷، شش سازمان بین المللی^۸ یک "چارچوب جامع"^۹ که در حقیقت یک برنامه مشترک کمکهای فنی منحصر به کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی بود را تاسیس کردند. در سال ۲۰۰۲ سازمان جهانی تجارت یک برنامه کاری را برای کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی ایجاد کرد که شامل دسترسی بهتر به بازار، کمکهای فنی، حمایت از آژانسهای که در رابطه با اقتصاد کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی فعالیت می کردند و تسریع پروسه عضویت این کشورها می شد.

دبیر خانه سازمان، مشاوران حقوقی ویژه ای برای کمک به کشورهای در حال توسعه نیز دارد که از طریق موسسه همکاری آموزشی و فنی^{۱۰} کمکهای ویژه ای به کشورهای در حال توسعه می نماید. علاوه بر این در سال ۲۰۰۱ مرکز مشاوره ای نیز تحت عنوان موسسه آموزش و همکاری فنی^{۱۱} بدین منظور تاسیس شد. اعضاء آن شامل کشورهایی هستند که منابع مالی آن را تامین می کنند و کشورهایی که دریافت کننده کمکهای مشورتی هستند. تمام کشورهای با حداقل میزان توسعه یافتگی امکان استفاده از امکانات این مرکز را دارند و کشورهای توسعه یافته دیگر می توانند با پرداخت حق عضویت از تسهیلات این مرکز بهره مند شوند.

^۱ ماده ۱۲ تبصره ۴

^۲ Agreement on Trade-Related Investment Measures (TRIMs)

^۳ ماده ۸۰

^۴ General Agreement on Trade in Services (GATS)

^۵ Non-reciprocity

^۶ تصمیم در مورد اقدامات مطلوب کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی، پاراگراف ۲ (۵)

^۷ تصمیم در مورد اثرات منفی احتمالی اصلاح برنامه بر کشورهای کمتر توسعه یافته و صادرات مواد غذایی خالص، پاراگراف ۳ (قسمت ۳)

^۸ این شش سازمان عبارت بودند از مرکز تجارت بین الملل، صندوق بین المللی پول، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل، بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت.

^۹ Integrated Framework

^{۱۰} WTO's Training and Technical Cooperation Institute.

^{۱۱} Advisory Centre

به منظور شفافیت بیشتر تمامی اعضاء سازمان باید هر ساله گزارش آماری و خلاصه ای از تغییرات مهم در سیاست تجاری خود را به نهاد بازرگاری سیاست تجاری ارائه کنند. در این رابطه کشورهای در حال توسعه می توانند از دبیر کل درخواست کمکهای فنی بنمایند.^۱ اعضا را موظف به ارائه کمکهای دو جانبه و چند جانبه در زمینه هایی همچون تکنولوژی، تحقیق، زیرساخت و آموزش می داند و این کمکها می تواند به شکل توصیه، اعتبار و کمهای مالی باشد.^۲

طبق موافقتنامه موانع فنی تجارت دبیر کل ملزم است که اطلاعاتی هایی که به گونه ای به کشورهای در حال توسعه مربوط می شود را به اطلاع ایشان برساند. طبق همین موافقتنامه کشورهای عضو موظفند کمکهای فنی لازم را در زمینه آماده سازی مقررات تکنیکی، ایجاد نهادهای استانداردسازی بین المللی، روشهای برای دستیابی به بهترین نتایج در رابطه با مقررات تکنیکی، ایجاد نهادهایی یاری دهنده برای تطبیق محصولات با استانداردهای بین المللی و ایجاد موسساتی و چارچوبهای قانونی برای اجرای تعهدات مشارکت در سیستم ارزیابی تطبیق در سطح بین المللی و منطقه ای به این اعضا بنمایند.^۳

کشورهای توسعه یافته ملزم هستند که کمکهای فنی لازم را به کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت خدمات مخابراتی و ایجاد نهادهای مرتبط از طریق واحد مخابرات بین الملل، برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی بنمایند.^۴

طبق موافقتنامه مربوط به اجرای اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی،^۵ موافقتنامه موانع فنی تجارت،^۶ موافقتنامه بازرسی پیش از حمل،^۷ موافقتنامه حقوق مالکیت فکری و تفاهم نامه مربوط به قواعد و آیین حاکم بر حل و فصل اختلافات،^۸ در صورت تقاضای کشورهای در حال توسعه، کشورهای پیشرفته باید کمک های فنی را در اختیار آنها بگذارند هدف از این کمک ها عمدتاً ایجاد آمادگی در کشورهای مزبور برای اجرای موافقت نامه های سازمان، وضع قوانین داخلی مناسب و ایجاد نهادهای ضروری برای این مقصود است که گاه از این فراتر می رود. برای مثال، موافقت نامه مربوط به اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی توصیه می کند که اگر کشورهای پیشرفته اقدام به تعیین استانداردهایی کنند که رعایت آنها مستلزم سرمایه گذاری وسیع از سوی کشورهای در حال توسعه است، به این کشورها برای حفظ و گسترش بازارهای صادراتی شان کمک های فنی ارائه کنند موافقت نامه مربوط به موانع فنی تجارت نیز ارائه کمک های فنی به کشورهای کمتر توسعه یافته برای مشارکت در نهادهای بین المللی تدوین استاندارد و نیز تأسیس نهادهای ویژه خود جهت تدوین مقررات و استانداردها را پیش بینی کرده است.^۹

۵-۱. تسهیلات ویژه در سیستم حل و فصل اختلافات

سیستم حل و فصل اختلاف در سازمان جهانی تجارت ریشه در قواعد، روند رسیدگی و نهایتاً تجربیات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۴۷ دارد با این حال برتری رژیم حقوقی حل و فصل اختلافات در سازمان بر گات ۴۷ انکار ناپذیر است این سیستم زمان بندی دقیقی را برای رسیدگی به پرونده ها مشخص کرده تا راه را بر هر گونه اطاله بی دلیل دادرسی ببندد که برای کشورهای جهان سوم که استطاعت یک روند قضایی طولانی مدت را ندارند از اهمیت ویژه ای برخوردار است مقررات مربوط به این روند عموماً در توافقنامه حل و فصل اختلاف^{۱۰} ذکر شده است و هدف این سیستم برقراری دوباره رابطه تجاری میان کشورهاست. در واقع قاعده کلی رفتار ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسط یافتگی که در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت رعایت می گردد، در مورد نظام حل و فصل اختلافات در چارچوب این سازمان نیز اجرا می گردد و در این راستا به طور خلاصه موارد زیر را می توان ذکر کرد:

^۱ مکانیزم بازرگاری سیاست تجاری، بخش D

^۲ ماده ۹ تبصره ۱

^۳ مواد ۱۱ و ۱۲

^۴ موافقتنامه تجارت خدمات، ضمیمه مرتبط با ارتباطات مخابراتی.

^۵ ماده ۹(۱) The Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures.

^۶ ماده ۱۱ و ۱۲(۷) The Agreement on Technical Barriers to Trade.

^۷ ماده ۱(۲) The Pre-shipment Inspection Agreement

^۸ ماده ۲(۲) The Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes (DSU).

^۹ ماده ۱۱ موافقت نامه مربوط به موانع فنی تجارت.

^{۱۰} Dispute Settlement Understanding

اگر کشوری با کمترین میزان توسعه یافتگی در اختلافی درگیر باشد باید به موقعیت خاص این کشور توجه شود و در تمامی مراحل ایجاد محدودیت، درخواست خسارت، مجوز تلافی و سایر اقدامات باید شرایط آن کشور در نظر گرفته شود^۱ و اعضا سازمان باید به مشکلات و منافع کشورهای در حال توسعه توجه ویژه داشته باشند.^۲

اگر اختلاف میان یک کشور در حال توسعه و یک کشور توسعه یافته باشد، کشور در حال توسعه می تواند درخواست دهد که هیات رسیدگی شامل حداقل یک نفر از کشورهای در حال توسعه باشد. (نه الزاماً همان کشور در حال توسعه)^۳ فرآیند مشورت نیز در مورد این کشورها می تواند بیشتر از مهلت معمول باشد و اگر مشورت موفقیت آمیز نبود کشور در حال توسعه می تواند از دبیر کل بخواهد که مساعی جمیل خود را پیش از درخواست رسمی برای هیات رسیدگی ارائه کند.^۴ (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱ ص ۳۳۳)

اگر اساساً کشور در حال توسعه طرف دعوی نباشد، تقاضای مداخله اشخاص یادشده باید توسط هر دو طرف دعوی انجام شود از آنجا که نتیجه مصالحه یا میانجیگری ممکن است با حقوق یکی از طرفین تطابق نداشته باشد توسل به آن باید با رضایت دو طرف صورت گیرد. به عبارت دیگر، یک طرف تنها زمانی می تواند خواهان مداخله مدیر کل سازمان یا رئیس رکن حل اختلاف برای میانجیگری، مصالحه یا مساعی جمیل خود شود که توافق طرف دیگر جلب شده است اما تفاهم نامه حل اختلافات سازمان تجارت جهانی این امتیاز را برای کشورهای در حال توسعه قائل شده است که اگر یکی از طرفین دعوی باشند، به تنهایی نتوانند خواهان مداخله مسئول یادشده شوند. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۶)

هیأت رسیدگی باید در گزارش خود به طور مشخص تصریح نماید که چگونه مقررات مربوط به رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، برای کشور در حال توسعه طرف اختلاف مورد توجه و استناد قرار گرفته است. بنا به درخواست کشور در حال توسعه، دبیرخانه سازمان جهانی تجارت یک کارشناس حقوقی مجرب را برای مشاوره و ارائه کمکهای حقوقی در اختیار عضو مذکور قرار خواهد داد.

کشورها در اقامه دعوی و همچنین در کلیه مراحل اختلاف و در تقاضای جبران یا درخواست اجازه جهت تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات علیه کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی آزاد نیستند و باید به وضعیت این کشورها توجه خاصی مبذول دارند و در اقدامات خود خویشتنداری مقتضی نشان دهند. انتخاب آیین سریعتری برای رسیدگی به اختلافات این کشورها با سایر کشورهای دیگر، درخواست مهلت زمانی بیشتر برای آمادگی جهت دفاع، درخواست معاضدهای حقوقی تکمیلی از سازمان جهانی تجارت از دیگر امتیازات اختصاص داده شده به کشورهای در حال توسعه است. (پیلتن، ۱۳۹۱، ص ۲۳)

البته منافع ناشی از ساز و کار حل و فصل اختلافات سازمان برای کشورهای در حال توسعه، به آنچه ذکر شد و به طور خاص و آشکار در مقررات مربوطه پیش بینی شده است، محدود نمی شود. مهمترین منفعت ناشی از این ساز و کار برای این کشورها به یکی از اصول آن یعنی تکیه بر اقدامات چندجانبه مربوط می شود که نتیجه آن عدم امکان توسل کشورها، به ویژه کشورهای قدرتمند و توسعه یافته به اقدامات یکجانبه علیه کشورهای در حال توسعه است. (پیلتن، ۱۳۹۱، ص ۲۳)

همانطور که قبلاً ذکر شد در سال ۲۰۰۱، برخی از اعضا مرکز مشاوره در باب حقوق سازمان تجارت جهانی^۵ را بنا نهادند تا به کشورهای در حال توسعه در استفاده از رکن حل اختلاف سازمان و نیز تأمین هزینه سنگین اقامه دعوی یاری رساند که عملکرد نسبتاً مناسبی در این زمینه داشته است.

۲. چالش های پیش روی کشورهای در حال توسعه و کشورهای با حداقل میزان توسعه یافتگی در سازمان جهانی تجارت

علیرغم رویکرد سازمان جهانی تجارت برای ایجاد نظامی که موجبات رضایت و اعتماد کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی را فراهم آورد، این کشورها با چالشهایی روبرو هستند که تنها پس از بررسی آنها می توان میزان کارایی سازمان را برای کشورهای در حال توسعه بررسی کرد که در ادامه به آنها می پردازیم.

^۱ تفاهم نامه درباره قواعد و فرآیندهای حاکم بر حل و فصل اختلاف، ماده ۲۴ (۱)

^۲ تفاهم نامه درباره قواعد و فرآیندهای حاکم بر حل و فصل اختلاف، ماده ۴ (۱۰)

^۳ تفاهم نامه درباره قواعد و فرآیندهای حاکم بر حل و فصل اختلاف، ماده ۸ (۱۰)

^۴ تفاهم نامه درباره قواعد و فرآیندهای حاکم بر حل و فصل اختلاف مواد ۱۲ و ۲۴

^۵ Advisory Centre on WTO Law (ACWL)

۲-۱. نیاز به منابع عمده برای عضویت

پیوستن به سازمان جهانی تجارت روندی زمان بر دارد و نیازمند منابع انسانی متخصص است که غالباً در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی به سختی یافت می شود. علاوه بر این حق عضویت سالانه ای که باید به سازمان پرداخت شود می تواند برای این کشورها مشکل ساز باشد. اگرچه سازمان کمکهای در این زمینه می نماید اما این کمکها برای برخی از کشورها کافی نیست. اجرای موافقتنامه ها نیز هزینه بر هستند زیرا مأمورانی که باید برای اجرای آنها بکار گرفته شوند نیاز به آموزش دارند و بعلاوه تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده که اجرای موافقتنامه ها در کوتاه مدت برای آنها بسیار هزینه بر است. (Charles Data, Alemi& others, 2016:4)

۲-۲. لابی کشورهای قدرتمند

در بسیاری موارد کشورهای توسعه یافته و قدرتمند با مذاکرات پشت پرده مقدمات ایجاد مقررات را بدون در نظر گرفتن شرایط کشورهای در حال توسعه فراهم می آورند. اولین اعتراض به این بی عدالتی ها در کنفرانس وزیران ۱۹۹۹ در سیاتل صورت گرفت. وزیران تجارت کشورهای آفریقایی ضمن اعتراض به این مسأله متذکر شدند که هیچ شفافیتی در اقدامات وجود ندارد و کشورهای آفریقایی در مورد موضوعاتی که برای مردم و آینده آنها حیاتی است به حاشیه رانده شده اند. (Narlikar, 2000:22) البته این اعتراض تغییری در رویه سازمان ایجاد نکرد. شش سال بعد وزیر امور خارجه برزیل به توافقات سری آمریکا و اتحادیه اروپا اشاره کرد و یادآور شد کشورهای در حال توسعه همیشه در برابر یک عمل انجام شده قرار می گیرند. اگرچه آمریکا و اتحادیه اروپا مدعی بودند که از منافع خود دفاع می کنند اما تصمیمات آنان منجر به تحکیم سیاستهای موجود آنها می شد. بزرگترین مشکل چنین پیشنهادات از پیش آماده شده ای این است که نمایندگان کشورهای در حال توسعه به علت ضعف اطلاعات و تجربه از پیچیدگیهای قانونی آن بی خبرند و در نهایت تن به توافقاتی می دهند که قدرت چانه زنی آنها را کاهش خواهد داد. با این حال اتحادیه اروپا و آمریکا در نشست دور کنکان چنین ادعایی را قویاً رد کردند. یکی از مهمترین انتقادات وارده به سیاست گات قدیم این بود که تصمیمات مهم پشت درهای بسته در "اتاقهای سبز" اتخاذ می شد و ادعا می شد که ترکیب نمایندگانی که دعوت می شوند ۷+۷ بود بدین معنا که هفت نماینده از کشورهای توسعه یافته و هفت نماینده از کشورهای در حال توسعه بسته به موضوع مورد بحث دعوت می شدند. با این حال کشورهای در حال توسعه مدعی بودند که این ترکیب همیشه رعایت نمی شد. سیستم جدید به جای اتاقهای سبز، جلسات بحث آزاد روسای هیاتهای نمایندگی^۱ را در نظر گرفت که خالی از اشکال نیست. این جلسات شامل گروهی از کشورها می شوند که که ذینفع یا علاقه مند به مسأله مورد بحث هستند. کشوری که از آن درخواست مشورت می شود نمی تواند از این امر سرباز بزند با این حال گاهی جلسات غیر رسمی بدون اینکه علناً اعلام شود برگزار می شد. گاهی تاریخ جلسه بعد در آخرین جلسه اعلام می شود و در صورتی که نماینده ای غایب باشد ممکن است در لیست جلسه بعدی نباشد. بعلاوه گاهی کشورهایی که به موضوع مورد بحث علاقه مند هستند برای مشورت دعوت نمی شوند و در بسیاری موارد دیده شده که کشورهای برای حضور در جلسه تلاش کرده اند و بعضاً موفق نبوده اند. در حقیقت این طور به نظر می رسد که با وجود تغییر نام از اتاقهای سبز به جلسات روسای هیاتهای نمایندگی، اتاقهای سبز همچنان در سازمان جهانی تجارت وجود دارند. (Institute of Agriculture and Trade policy, 2003:p4)

۲-۳. غرض ورزی در چارچوب قانونی سازمان

برخی بر این عقیده اند که چارچوب سازمان از سیستم های قانونی آمریکا و اتحادیه اروپا اتخاذ شده است که این امر مشکلاتی را برای نمایندگان کشورهای در حال توسعه در نشستهای سازمان ایجاد می کند. این امر ابتدا توسط نماینده کشور سنت لوسی، یکی از کوچکترین کشورهای جهان ابراز شد و باعث تغییرات مهمی گشت. وی به عنوان شخص ثالث در پرونده EC Bananas اصرار داشت که با کمک یک تیم حقوقی خصوصی خارجی وارد این پرونده شود زیرا قادر به درک اصطلاحات و روند قانونی نیست. با اصرار او این حق برای اولین بار به او داده شد و اکنون این حق برای نمایندگان کشورهای در حال توسعه مورد قبول قرار گرفته است. این امر به خوبی نشان داد که کشورهای توسعه یافته مقررات و چارچوب قانونی سازمان را بر اساس منافع خود به دیگر کشورها تحمیل می کنند که در بسیاری موارد این قواعد برای سیستم قانونی آنها کاملاً ناشناخته است.

۲-۴. تحمیل تعهدات نامرتبط با تجارت

¹ open-ended Heads of Delegation Meetings

سازمان تلاش زیادی را در جهت تکمیل برخی تعهدات که ارتباط مستقیم با مسایل تجاری نداشتند به کشورهای در حال توسعه داشته است مانند مسائل مرتبط با رشوه و مجازات اعدام و قوانین کار که از نظر کشورهای در حال توسعه مسائل داخلی هستند و باید تابع حقوق داخلی باشند. موافقان شمول چنین قواعدی معتقدند از آنجا که این مسائل می تواند به نفع یا ضرر برخی شرکتها باشد برای تجارت بین الملل اهمیت دارند. مخالفان پاسخ می دهند که وجود چنین تعهدات حقوقی در قواعد سازمان نشان می دهد که این سازمان می تواند در مسائل داخلی کشورها دخالت کند و آنها را مجبور به تغییر سیستمهای حقوقیشان نماید. (Bagwell and others, 2002:75)

۵-۲. مشکلات مرتبط با موافقتنامه تریپس

طرفداران این موافقتنامه بر این باورند که اعضا سازمان جهانی تجارت با افزودن حمایت از مالکیت معنوی به رژیم تجاری خود سرقت اموال معنوی را محکوم کردند. (Alvarez, 2002:148) اما مخالفان موافقتنامه را از دیدگاه کشورهای در حال توسعه می نگرند و معتقدند که وجود این موافقتنامه سبب جلوگیری از دسترسی به اطلاعاتی می شود که برای کشورهای در حال توسعه ضروری است. با عضویت در موافقتنامه تریپس کشورهای در حال توسعه نسبت به اموری متعهد می شوند که ارتباط مستقیمی با تجارت ندارد و می تواند موجبات تجاوز به سیستم حقوقی داخلی آنها را فراهم آورد.

بیش از همه قواعد موافقتنامه تریپس در رابطه با مجوز اجباری حق ثبت دارویی مورد انتقاد واقع شده است. پاراگراف ۶ اعلامیه دوحه در رابطه با موافقتنامه تریپس و سلامت عمومی که در چهارمین دور کنفرانس وزیران سازمان جهانی تجارت (۱۴-۹ نوامبر ۲۰۰۱) پذیرفته شد از شورا خواست که شرایطی را فراهم آورد که کشورهای عضو سازمان که ظرفیت تولید در زمینه صنایع دارویی را ندارند بتوانند از مجوز اجباری استفاده کنند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی امکان تولید این محصولات را به دلیل فقدان تکنولوژی، تجهیزات، نیروی انسانی یا مشکلات اقتصادی ندارند. طبق ماده ۳۱ اعضا می توانند بر اساس شرایط خاص زمینه های صدور مجوز اجباری را در قانون داخلی خود فراهم آورند. پاراگراف (a) تا (k) این ماده ضوابط تحصیل حق ثبت، بازه زمانی این حقوق و پرداختهایی که باید نسبت به صاحب حق ثبت انجام شود را شرح می دهد. در کنفرانس وزرای هنگ کنگ ۲۰۰۵ سازمان جهانی تجارت اصلاحیه ای را بر موافقتنامه تریپس تصویب کرد که صدور مجوز اجباری در رابطه با داروهای اساسی که شامل داروهای مرتبط با اچ آی وی/ایدز را مجاز می شمرد. در حقیقت هدف این مجوزهای اجباری این بود که به کشورهایی که با وضعیت فوق العاده در حوزه سلامت روبرو هستند اجازه تولید داروی مورد نیاز را بدهد. در صورتی که امکان تولید آن برای کشور مذکور وجود نداشته باشد می تواند آن را از کشوری دیگر که طبق مجوز اجباری آن دارو را تولید می کند، وارد کند. ظاهر امر چنین نشان می دهد که چنین مجوزی در جهت منافع کشورهای در حال توسعه صادر می شود اما در عمل مشکلات متعددی در این زمینه وجود دارد. تحصیل مجوز اجباری زمان زیادی نیاز دارد که در حالت وضعیت فوق العاده در رابطه با سلامت منطقی نیست. حتی اگر راه حل را در وارد کردن دارو بدانیم مشکلی که بروز می کند یافتن کشوری است که خود در حالت وضعیت فوق العاده باشد، تحت مجوز اجباری دارو را تولید می کند و امکان و تمایل صدور دارو را نیز داشته باشد.

علاوه بر این کشور در حال توسعه که به دنبال مجوز اجباری است باید طبق قواعد ابتدا سعی در به دست آوردن رضایت صاحب حق ثبت بنماید مگر در صورت اضطرار جدی که موجب مستثنا شدن کشور در حال توسعه می شود. در هر حال این مستثنا شدن محدودیت زمانی دارد، مستلزم پرداخت هزینه به صاحب حق ثبت است و از همه مهمتر تنها در بر گیرنده یک داروی خاص است نه گروهی از داروها. (Cullet, 2007:143-144) بنابراین در عمل این مجوز اجباری زیاد کارا نیست.

موافقتنامه تریپس توسط ماده ۲۷ از حق ثبت مسائل مرتبط با کشاورزی حمایت می کند و در قسمت ۳(b)(7) بر تعهد کشورهای عضو نسبت به فرآیندهای مرتبط با میکرو ارگانیسم و میکروبیولوژیک صحنه می گذارد اما محدودیتی برای کشورها در رابطه با حیوانات و نباتات قائل نمی شود مگر اینکه حق مالکیت معنوی را از طریق عناوین خاص مربوط به گیاهان را بدست آورند. تریپس طبق ماده ۲۴-۲۲ شاخص های جغرافیایی را برای مشروبات الکلی الزامی کرده است.

در ششمین کنفرانس وزرا در هنگ کنگ در سال ۲۰۰۶ هند و برزیل که صاحب بسیاری از منابع جنریک با محتوای اطلاعات سنتی به دنبال اصلاح قواعد تریپس در مورد فرآورده های گیاهی جنریک و علم سنتی بودند. آنها اصرار داشتند که صاحبان حق ثبت باید مأخذ موارد ثبت شده را افشا کنند و اگر این حقوق مربوط به علم سنتی یا گیاهان خاص کشور دیگری بود باید برای استفاده مکرر از آن از کشور مذکور مجوز گرفته و در سود حاصل از آن شریک سازند. اتحادیه صنعت زیستی آمریکا^۱ با این امر مخالفت کرد با این استدلال که تعهد به افشاء باعث کم شدن رغبت نسبت به سرمایه گذاری در منابع بیوتکنولوژیکی دیگر کشورها که غالباً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه

¹ American Bio-industry Alliance

یافته هستند، می شود. متأسفانه درخواست کشور هند و برزیل به نتیجه نرسید و طبیعتاً این امر راه را برای سرقت منابع ژنریک و علم سنتی و بومی کشورهای در حال توسعه باز می گذارد.

بسیاری معتقدند که موافقتنامه تریپس از انتقال تکنولوژی جدید به کشورهای در حال توسعه جلوگیری می کند فقدان دانش کافی و چارچوب مناسب قانونی باعث می شود که این کشورها نتوانند از تسهیلاتی که تریپس در اختیار آنها می گذارد استفاده کنند. علی رغم وجود قواعد مرتبط با مجوز اجباری تنها تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه همچون هند، چین، برزیل و مصر توانسته اند از این مقررات بهره جسته و صنایع دارویی را تاسیس کنند. (Stiglitz and others, 2005: 61-63, 116)

۶-۲. مشکلات مربوط به موافقتنامه تریمز

این موافقتنامه به دلیل صدمه زدن به تجارت از طریق سرمایه گذاری مورد انتقاد بسیار واقع شده است. برخی معتقدند که سرمایه گذاری باعث می شود تجارت از حالت طبیعی خود خارج شده و لیبرالیسم اقتصادی از دست برود. اما بسیاری از اقتصاد دانان مدعی هستند که تحت شرایطی تریمز برای کشورهای میزبان مفید است زیرا می تواند به عنوان ابزاری مهم در جهت سیاستهای توسعه خصوصاً بواسطه تشویق روابط صنعتی و انتقال تکنولوژی باشد. (Morrissey, O and Rai, Y, 2005: 702) کشورهای در حال توسعه بر این باورند که سازمان جهانی تجارت نتوانسته سرمایه گذاریها را کنترل کند و نظارت بر آنها را به نهادهایی همچون ایکسید واگذار کرده است که می تواند برای کشورهای در حال توسعه خطرناک باشد.

۷-۲. اشکال در دسترسی به بازارها

تسهیل دسترسی به بازارها برای کشورهای در حال توسعه عمدتاً از طریق کاهش تعرفه کالاهای وارد شده از جهان سوم صورت می گیرد. اجرای چنین نظامی داوطلبانه است و الزام حقوقی ندارد. بر طبق آن، دولتها پیشرفته برای کشورهای در حال توسعه تعرفه های ترجیحی در نظر می گرفتند، بدون آنکه عمل متقابل کشورهای جهان سوم را انتظار داشته باشند. در اینکه نظام ترجیحات توانسته باشد تأثیر قابل توجهی در بهبود دسترسی کشورهای جهان سوم به بازارها داشته باشد تردید بسیاری وجود دارد. دولت های پیشرفته بر اساس معیارهای خاص خود کشورهای در حال توسعه را از فهرست کشورهای برخوردار از رفتار ترجیحی خارج می کنند و امتیازهای اعطایی به صورت نقطه ضعف کشورهای مزبور در مذاکرات تجاری بروز می نماید.

یک مشکل عمده در ارتباط با مقررات مربوط به رفتار ترجیحی آن است که این مقررات از نظر حقوقی لازم الاجرا نیستند و بیشتر حالت توصیه دارند. با این حال، کشورهای پیشرفته عموماً ترجیح بیشتری برای توسعه نیافته ترین کشورها در زمینه دسترسی به بازارهایشان در نظر می گیرند. تخمین زده می شود که بین هشتاد تا نود درصد ارزش صادرات توسعه نیافته ترین کشورها به ممالک توسعه یافته از عوارض گمرکی معاف بوده باشند. در سومین اجلاس وزرای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی گفته شد که دولت های پیشرفته مایلند که کالاهای توسعه نیافته ترین کشورها را از عوارض گمرکی معاف نمایند. اما مسئله آن است که کشورهای مزبور به دلیل کاستی های زیربنایی و ساختاری شان قادر به بهره برداری از چنین فرصتی نیستند. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۸)

۸-۲. اشکال مکانیزم حل و فصل اختلاف

مکانیزم حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت به عنوان یک پیشرفت حقوقی منحصر به فرد در حوزه حقوق بین الملل تجارت شناخته می شود زیرا روشهای موثری به منظور اقامه دعوا در موارد تخطی از قواعد سازمان را فراهم آورده است. با این حال این جهش بی سابقه در حقوق بین الملل مشکلاتی برای کشورهای در حال توسعه به همراه دارد. یکی از مشکلات این است که این نظام مبتنی بر سنتها و مفاهیم غربی است. با این که کشورهای در حال توسعه بیش از یک سوم اعضای سازمان را تشکیل می دهند متأسفانه حداقل مشارکت را در سازمان دهی مکانیزم حل و فصل دارند که سبب محدودیت آنها در استفاده از این نظام می گردد. از زمان آغاز به کار این سیستم تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته به عنوان شاکی، خوانده و یا حتی شخص ثالث در پرونده ها حضور داشته اند. علی رغم این حقیقت که بسیاری از این کشورها اعمال ناعادلانه ای را از جانب کشورهای توسعه یافته متحمل شده اند، اما کمتر تمایلی به کمک گرفتن از سیستم حل و فصل دعاوی نشان داده اند که این امر بسیار ناامید کننده است زیرا این روش نسبت به روش مذاکره مزایای بیشتری دارد.

به علاوه سود جستن از این ساز و کار، مستلزم آگاهی و اطلاع از مقررات این سازمان و حقوق و تعهدات کشور خود، و همچنین حقوق و تعهدات کشورهای دیگر در سطح عمومی اعم از دولت و جامعه (است که این نیز وجود نظام آموزشی و اطلاع رسانی جامع و گسترده ای را می طلبد. متأسفانه کشورهای در حال توسعه معمولاً فاقد چنین نظام آموزشی هستند. یک پرونده معروف در این رابطه

پرونده US-Upland cotton است که در آن برزیل که یک کشور در حال توسعه است شکایتی را علیه ایالات متحده مطرح کرد و پیروز شد و نهاد حل اختلاف علیه ایالات متحده حکم صادر کرد با این استدلال که یارانه های این کشور پنبه کاران برزیلی را متضرر کرده است.^۱ آنچه اهمیت این پرونده را بیشتر می کند این است که برای اولین بار در طول ده سال کار نهاد حل اختلاف، دو کشور کمتر توسعه یافته بعنوان شخص ثالث در یک پرونده حضور یافتند که عبارت بودند از چاد و بنین از کشورهای زیر صحرا که هر دو کشت پنبه داشتند. هر دو به عنوان ثالث وارد دعوی برزیل شدند و ابراز داشتند که صادرات پنبه آنان به واسطه یارانه های ایالات متحده کاهش یافته است. این پرونده میزان بی تجربگی این کشورها را در رابطه با روند حل و فصل اختلاف نشان داد. هیچ یک از اعضای تیم کشورهای چاد و بنین تجربه حقوقی کافی را نداشتند و بدلیل عدم آشنایی با سیستم مشکلات زیادی جهت یادگیری مراحل اولیه روند رسیدگی داشتند و حتی در فراهم آوردن دلایل کافی برای اثبات ادعاهایشان عاجز بودند.

علاوه بر مشکل فقدان متخصص و علم کافی، چالش دیگر پیش روی کشورهای در حال توسعه در رابطه با سیستم حل اختلاف، هزینه دادرسی است که می تواند دلیلی قانع کننده ای برای بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته برای عدم استفاده از این سیستم باشد. اشکال دیگر مقررات حل اختلاف مربوط به رفتار ویژه و متفاوت آن است که بسیاری از آنها در قالب اصطلاحات حقوقی دقیق مطرح نشده اند. در نتیجه، ارزیابی آن که آیا به درستی مراعات شده اند یا نه آسان نیست. برای مثال، در مورد پیگیری اجرای توصیه ها و احکام هیئت های رسیدگی، ماده (۲) ۱۲ مقرر می دارد که در مورد اقداماتی که به فرآیند حل منازعه می پردازند باید نسبت به موضوعاتی که بر منافع کشورهای در حال توسعه عضو تاثیر گذارند توجه ویژه ای معطوف گردد. به همین ترتیب طبق ماده (۱۰) ۴ تفاهم نامه در خلال مشاوره اعضای هیأت رسیدگی باید به منافع خاص کشورهای در حال توسعه توجه ویژه ای معطوف شود. مسأله این است که اصطلاح توجه ویژه به گونه ای تعریف نشده است که قابل بررسی و سنجش قضائی باشد. بسیاری دیگر از مواد مربوط به رفتار ویژه و متفاوت نیز در هیأت های رسیدگی یا رکن تجدید نظر نادیده گرفته می شوند چون به شکل روشن و قطعی بیان نشده اند. (تقوی و پارسائی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۷)

در نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی تنها ضمانت اجرای احکام هیأت ها، تهدید به اقدامات تجاری تلافی جویانه است. تعلیق امتیازات تجاری یا سایر تعهدات ناشی از موافقتنامه های سازمان تنها راه جبران نقض مقررات است. در نتیجه، کشورهای جهان سوم که توان اقتصادی و تجاری اندکی دارند، از قدرت اجرای چندانی برخوردار نیستند. به علاوه، یک کشور در حال توسعه ممکن است از اقدامات تلافی جویانه در برابر یک قدرت تجاری بزرگ خودداری ورزد، زیرا، چنین عملی می تواند عمل متقابل شدیدتری را در پی داشته باشد و منافع کشور ضعیف را بیشتر به مخاطره افکند. (تقوی و پارسائی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۹)

از آنجا که توسل به ساز و کار حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، معمولاً متضمن اعلام وجود موازین یا اقدامات خلاف مقررات سازمان در کشوری، توسط بازرگانان کشورهای دیگر است، وجود رابطه ای نظام مند و منسجم میان بازرگانان، تولیدکنندگان و صادرکنندگان با دولت حائز اهمیت فراوانی است. اما، متأسفانه چنین رابطه ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. از سوی دیگر، کشورهای توسعه یافته برای حصول اطمینان از حفظ منافع بازرگانان خود، نهادهای بسیار کارآمدی را برای بررسی رفتار کشورهای دیگر در زمینه تجارت بین الملل و سیاست های تجاری وضع کرده اند تا در جریان دعوی از آنها بهره ببرند. برای مثال، در آمریکا سازمانی در زمینه نظارت بر نحوه قیمت گذاری کشورها بر کالاهای صادراتی شان، به منظور شناسایی از موارد قیمت شکنی (دامپینگ) در آن کشورها، فعالیت می کند. این کشور روش های پیچیده ای برای این بررسی به کار می برد. ایجاد چنین نهادها و انجام چنین بررسی هایی مسلماً مستلزم صرف هزینه های قابل توجهی است. کشورهای در حال توسعه نه توان مالی چنین کاری را دارند و نه از زیر ساخت های اداری لازم برای سود جستن از آن برخوردارند. ضمن اینکه این کار پشتوانه علمی بسیار قوی را می طلبد. نهایتاً طرح دعوی نزد رکن حل اختلاف یا شرکت در آن به عنوان خوانده و پیگیری امر، مستلزم صرف هزینه های هنگفت و وجود زمینه های علمی و تحقیقاتی لازم و همین طور نهادهای اداری و حقوقی مربوط در کشورهای عضو است. این در حالی است که بیشتر کشورهای در حال توسعه از هیچ یک از توانایی ها، زمینه ها و نهادهای مورد نظر برخوردار نیستند.

علاوه بر اینها، اگرچه تفاهم نامه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مقررات متنوعی را برای بالا بردن امکان استفاده مطلوب از نظام حل و فصل اختلاف توسط کشورهای در حال توسعه دارد، ساختار آن تحقق این امکان را در عمل مشکل می سازد. زیرا با توجه به عدم وجود ضمانت اجرای مؤثر علیه نقض کنندگان مقررات سازمان جهانی تجارت، عمدتاً کشورها در جدال با نقض کنندگان تنها می مانند و در نتیجه کشورهایی که از نظر اقتصادی و سیاسی ضعیف هستند، در این نظام در عدم مزیت قرار می گیرند. از سوی دیگر به علت اینکه هیأت های رسیدگی در آراء خود صرفاً به توصیه اکتفا می کنند، این امر باعث ابهام در حوزه هایی مثل ضد-

^۱ United States – Subsidies on Upland Cotton, Recourse to Article 21.5 of the DSU by Brazil, WT/DS267.

دامپینگ که عمدتاً به ضرر کشورهای در حال توسعه است منجر می شود. زیرا این کشورها معمولاً بیش از آنکه از اقدامات ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) استفاده کنند، در معرض این اقدامات قرار دارند. (پیلتن، ۱۳۹۱، صص ۲۵-۲۲)

۹-۲. عدم کفایت معافیتها

در رابطه با معافیتها ی که برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است، باید گفت که این معافیتها در عمل موثر واقع نشده اند. برای مثال در موافقتنامه عمومی تجارت خدمات آمده است که " برای یکایک کشورهای در حال توسعه عضو، انعطاف لازم برای گشودن بخش های کمتر و آزاد کردن انواع کمتری از مبادلات باید وجود داشته باشد، به گونه ای که همسو با توسعه این کشورها، دسترسی به بازارهای شان را بیشتر نماید."^۱

این ماده دربردارنده قاعده مشخصی برای تحقق مقصود خود نیست و همین امر سبب می شود که به حق قانونی معینی برای کشورهای جهان سوم و متناظر با آن، تکلیف معینی برای کشورهای توسعه یافته و نهادهای سازمان تجارت جهانی منجر نگردد. همچنین "موافقت نامه مربوط به خریدهای دولتی" به کشورهای در حال توسعه این اجازه را می دهد تا به منظور مستثنی کردن کالاها و خدمات معین یا سازمان های معینی از شمول این موافقتنامه با سایر طرف ها وارد مذاکره شوند. چنان که ملاحظه می شود موافقت نامه مزبور به کشورهای جهان سوم فقط حق ابتکار مذاکره را اعطا می کند. به عبارت دیگر، کشورهای توسعه یافته را ملزم به پذیرش مذاکره می کند، بدون آن که متعهد به مستثنی کردن موارد مشخصی باشند. این امر ضعف موافقت نامه مزبور از نقطه نظر منافع کشورهای توسعه نیافته محسوب می شود. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۷)

از طرف دیگر سازمان جهانی تجارت به کشورهای جهان سوم این اجازه را می دهد که، در مقایسه با کشورهای پیشرفته، تعرفه بر واردات را در سطح بالاتری حفظ کنند. کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دوحه موفق شدند تا برخی از موانع غیرتعرفه ای بر واردات را نیز نگهدارند. موافقتنامه کشاورزی وضع تعرفه و اعطای یارانه های سرمایه گذاری و برخی دیگر از یارانه ها را فقط برای کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی مجاز می شمارد. همین موافقت نامه به کشورهای در حال توسعه اجازه می دهد تا به میزان کمتری تعرفه ها و یارانه های خود را کاهش دهند. البته این میزان کاهش نباید از دو سوم میزان خواسته شده از کشورهای پیشرفته کمتر باشد. نهایتاً کشورهای در حال توسعه از تعهدات مربوط به برخی انواع یارانه های صادراتی معاف بوده و در مورد برخی دیگر از این یارانه ها اجازه انعطاف یافته اند. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ۳۳۰) نکته اینجاست که کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی اساساً استطاعت پرداخت یارانه به تولیدکنندگان خود را ندارند در نتیجه، اعطای حق عدم کاهش یارانه ها عملاً نفعی به حال آنها نخواهد داشت. این رشته از معافیت ها شاید به نفع کشورهای توسعه نیافته ای باشد که فاصله اندکی با توسعه یافتگی داشته و توان پرداختن یارانه به تولیدکنندگان محلی را دارند. به عبارت دیگر، هر چه سطح توسعه یک کشور جهان سوم پایین تر باشد، از مقررات مربوط به عدم کاهش یارانه ها بهره کمتری می برد (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۱).

۱۰-۲. عملی نبودن کمکهای فنی

دلیل فراهم آوردن کمک های فنی برای کشورهای در حال توسعه آن است که کاستی نهادهای این کشورها توان جذب آنها در سازمان تجارت جهانی را به شدت کاهش داده است. بنابراین، اگر قرار بر آن باشد که آنها از بازرگانی بین المللی سودی ببرند، نیازمند چنین مساعدت هایی خواهند بود. بخش عمده کمکهای فنی سازمان به شکل سمینار ارائه می شود، در حالی که این کمک ها باید وجه عملی بیشتری داشته و به منظور ایجاد یا تقویت نهادهای ذریبط در تجارت یا افزایش توانایی کشورهای فقیر در مذاکرات صورت گیرند. مهم تر از همه آنکه، مواد و بندهایی که کشورهای توسعه یافته را به مساعدت به کشورهای فقیر فرا می خوانند از نقطه نظر حقوقی چندان قابل سنجش نبوده و الزام آور نیستند. بنابراین، نمی توان آنها را در زمینه رعایت یا عدم رعایت بندهای مزبور مورد پرسش قرار داد. بیشتر کمک ها توسط سازمان های بین المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، برنامه توسعه سازمان ملل، کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل، مرکز بازرگانی بین المللی، سازمان تجارت جهانی و برخی نهادهای خیریه انجام می گیرند که طی سال های اخیر از مساعدت های همه آنها، به استثنای سازمان تجارت جهانی کاسته شده است. این کمک ها به صورت دادن مشاوره در مورد استراتژی ها و سیاست های تجاری، آموزش فنون بازاریابی و ... ارائه می شوند.

^۱ ماده XIX(۲) موافقت نامه عمومی تجارت خدمات.

تأمین بودجه همکاری های فنی سازمان تجارت جهانی توسط دو الی سه خیر انجام گرفته و سهم سازمان تجارت جهانی کمتر از پانصد هزار دلار بوده است که معادل یک درصد بودجه سالیانه آن سازمان است. این نکته نشان می دهد که کمک های فنی ارائه شده به کشورهای فقیر تا چه حد نازلند. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴)

۲-۱۱. فاصله زیاد اقتصادی میان کشورها

سازمان جهانی تجارت هنوز نتوانسته فاصله زیاد اقتصادی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را از میان بردارد و ۲۳ درصد از جمعیت جهان ۸۲ درصد ثروت جهان را در دست دارند و ۷۷ درصد باید در ۱۸ درصد باقی مانده ثروت سهیم باشند (Franck, 1998:413-414) فرآیند جهانی شدن در بسیاری موارد منجر به فقر بیشتر در کشورهای ضعیف شده است. برخی اقتصاد دانان معتقدند که کشورهای در حال توسعه با اقتصادی قدرتمند منافع زیادی از عضویت در این سازمان نمی برند. این در حالی است که کشورهای پیشرفته از نیروی کار ارزان در کشورهای کمتر توسعه یافته سوءاستفاده می کنند، کشورهایی که به واسطه فقر زیاد با کمترین میزان دستمزد نیروی کار خود را در اختیار کشورهای دیگر قرار می دهند.

۲-۱۲. ابهام و الزام آور نبودن مواد مربوط به رفتار مساعد

موادی که در اساسنامه سازمان و موافقتنامه ها برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده اند عمدتاً مبهم هستند به طور مثال موافقتنامه مربوط به اجرای ماده شش گات (موافقت نامه ضد قیمت شکنی) مقرر می دارد که در اجرای مقررات ضد قیمت شکنی، کشورهای توسعه یافته باید به شرایط کشورهای در حال توسعه توجه ویژه ای داشته باشند و اگر منافع حیاتی کشورهای اخیر دخیل باشد به نحو سازنده ای طلب جبران خسارت کنند.^۱ اما موافقتنامه مذکور مشخص نمی کند که کدام اقدامات با قید سازنده تطابق دارند. نکته مهمتر آن که مواد مربوط به رفتار مساعد با کشورهای در حال توسعه از نظر حقوقی الزام آور نیستند برای مثال ماده (۴) موافقتنامه منسوجات و پوشاک توصیه می کند که در اجرای مواد آن منافع خاص کشورهای تولید کننده پنبه که عمدتاً از کشورهای در حال توسعه هستند باید بازتاب یابد. اما کوششی برای هماهنگی توسط کشورها پیشرفته به منظور اجرای ماده فوق با ماده (۶) موافقتنامه یاد شده که خواهان رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای جهان سوم است صورت نگرفته است. (تقوی و پارسایی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۵)

۲-۱۳. فقدان دموکراسی

سازمان جهانی تجارت به سازمانی دموکراتیک مشهور است اما متأسفانه تسلط کشورهای توسعه یافته بر آن این مساله را زیر سوال برده است. کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی تاثیر کمی در اتخاذ تصمیمات و سیاستهای سازمان دارند. این امر موجب کاهش قدرت چانه زنی آنها در تجارت نیز می شود. قطعاً هدف کشورهای در حال توسعه از پیوستن به این سازمان رشد اقتصادی و بهبود وضعیت خود در سیستم بین المللی تجارت بوده است که هرگز حاصل نشده و این امر در مورد کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی وخیم تر است.

۲-۱۴. فقدان تعریف دقیق از کشور توسعه یافته و در حال توسعه

سازمان جهانی تجارت هیچ تعریف دقیقی از کشور توسعه یافته و کشور در حال توسعه ارائه نمی کند و این خود کشورها هستند که مشخص می کنند در کدام گروه جای می گیرند. اگرچه سایر کشورها می توانند نسبت به استفاده سایر از قواعد مرتبط با کشورهای توسعه یافته اعتراض کنند^۲ اما به نظر نمی رسد که این امر مشکل را حل کند (Cui, Fan, 2008:123) امروزه موقعیت بسیاری از کشورها که به عنوان کشور در حال توسعه و یا کشور با کمترین میزان توسعه یافتگی شناخته می شدند تغییر کرده اما همچنان از قواعد مرتبط با کشورهای در حال توسعه استفاده می کنند. این سیستم خود اعلامی که در سال ۱۹۹۵ طراحی شده شاید برای شروع کار سازمان مفید بوده اما حفظ چنین سیستمی می تواند به آزادی تجارت صدمه بزند.

بعلاوه یک کشور صرفاً با اعلام وضعیت در حال توسعه می تواند در حال توسعه شناخته شود و تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت می توانند به این اصل استناد کنند تا کنون به غیر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده، کانادا، ژاپن، سوئیس، نروژ، استرالیا و زلاندنو بقیه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت دست کم یک بار به این حق استناد کرده اند.

^۱ ماده 15 موافقت نامه مربوط به اجرای ماده شش گات.

^۲ For more information see WTO, *Who are the Developing Countries in the WTO?*, www.wto.org/english/tratop_e/devel_e/dlwtwo_e.htm. last visited on 5/5/2019

نتیجه گیری

استانداردهای موجود در سازمان تجارت جهانی که انعکاسی از مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد مبنی بر همکاری برای تسهیل توسعه تمامی کشورهاست باید مکانیزمی را ارائه دهد تا کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته را از قواعد معمول موافقتنامه ها که مانع پیشرفت و توسعه آنان می شود در امان نگه دارد اما امروزه کشورهای در حال توسعه نسبت به شرایطی که سازمان در رابطه با پیشرفت اقتصادی آنها در نظر گرفته و می گیرد ناراضی هستند و این امر عمدتاً ناشی از فقدان تساوی خصوصاً در امور مربوط به تصمیم گیریهای مهم سازمان است که نیازمند تغییراتی اساسی در این سازمان است. اساس سازمان جهانی تجارت بر این است که توسط اعضا اداره شود. اگرچه این امر طبیعی است و در ابتدای امر منصفانه به نظر می رسد اما با نگاهی دقیق تر مشخص می شود که کنترل این سازمان در دست کشورهای بزرگ و ثروتمند است و همه کشورها امکان شرکت در تصمیم گیریهای مهم را ندارند و حتی در مواردی که تسهیلات ویژه برای کشورهای در حال توسعه وضع می شود، ابتکار عمل در دست کشورهای توسعه یافته است. اغلب تصمیمات مهم در سطح کمیته ها و گروههای کاری اتخاذ می شود و زمانی که برای ارکان بالاتر فرستاده می شود برای متوقف کردن آنها نیاز به رای زیادی است که اتفاق میان کشورهای در حال توسعه دارد که غالباً محقق نمی شود.

قطعاً آینده سازمان جهانی تجارت بستگی به برقرار توازن میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه دارد. محوریتترین مساله در این رابطه مربوط به رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین میزان توسعه یافتگی است که از طریق کاهش تعهد آنها و کمکهای فنی به آنها محقق می شود. کارکرد ضعیف این عوامل منجر به تضعیف روزافزون نقش سازمان و شکست اهداف آن خواهد شد. متأسفانه نقش سازمان امروزه بیشتر توصیه کننده است و آمرانه نبودن قواعد آن در بسیاری موارد باعث شده که کنترل روابط اقتصادی به دست کشورهای توسعه یافته انجام گیرد. اگرچه کشورهای در حال توسعه عضویت در سازمان را برای حضور در بازارهای جهانی ضروری می پندارند اما عملکرد منفی سازمان مانع از بهره وری کامل آنها از نظام تجاری بین المللی می گردد.

نهایتاً آنچه به نظر می رسد این است که سازمان جهانی تجارت در رسیدن به اهداف اولیه خود ناکام بوده است و همکاری میان کشورهای جهان در زمینه تجارت بین الملل به دلیل منفعت طلبی کشورهای قدرتمند حاصل نشده است. واقع گرایانه ترین پیشنهاد برای بهبود موقعیت سازمان جهانی تجارت به عنوان سازمانی که درصدد تقویت تجارت بین الملل و افزایش مشارکت کسورها در این صحنه است این است که قواعد موجود را از بعد صرفاً تئوری به عرصه عمل بیاورد. در واقع تمامی عناصری که برای یک سیستم عادلانه نیاز است در سیستم سازمان وجود دارد: رفتار متفاوت و ویژه، مشارکت تمامی اعضا در تصمیم گیریها، کمکهای فنی به کشورهای ضعیف، تسهیلات ویژه برای این کشورها در نظام حل و فصل اختلاف، کمکهای مالی و..... اما اشکال در عملکرد سازمان در اجرای این قواعد است. مسلماً فقدان یک تعریف جامع و مانع از کشور در حال توسعه نیز بر این مشکل می افزاید. به نظر می رسد با گذشت سالها از فعالیت سازمان و عدم موفقیت آن در زمینه پیشرفت اقتصادی چشمگیر در کشورهای در حال توسعه و کشورهای با حداقل میزان توسعه یافتگی ایجاد تغییرات در سیستم این سازمان ضروری می نماید.

منابع و مراجع

- [۱] تقوی سیدمحمدعلی و پارسایی حبیب الله، بررسی و نقد "رفتار ویژه و متفاوت" با کشورهای در حال توسعه در مقررات سازمان تجارت جهانی، مجله تحقیقات حقوقی دوره ۱۵، شماره ۱۵۰، پاییز ۱۳۹۱
- [۲] رضائی علی، تبیین شرط تواناسازی در سازمان تجارت جهانی، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صفحه ۴۵۱-۴۶۹
- [۳] پیلتن فرزاد، رژیم حقوقی حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت، دانشنامه حقوق و سیاست شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۱
- [4] Alvarez, JE, 'The WTO as linkage machine', vol. 96, no.1, The American Journal of International Law, January 2002
- [5] Bagwell, K, Mavroidis, PC and Staiger, RW, 'It's a question of market access', vol. 96, no.1, American Journal of International Law, January 2002,
- [6] Charles Data Alemi, Jaime de Melo and Astrid R.N. Haas, Pursuing WTO accession: Advantages and disadvantages for South Sudan, International Growth Center, July 2016.
- [7] Cui, Fan 'Who Are the Developing Countries in the WTO?', vol.1, issue 1, The Law and Development Review, 2008.
- [8] Cullet, Philippe, 'Human Rights and Intellectual Property Protection in the TRIPs Era' vol. 29, no. 2, 'Human Rights Quarterly, 2007.
- [9] Franck, Thomas M, 1998, Fairness in International Law and Institutions, Oxford University Press, pp.413-414.
- [10] Institute of Agriculture and Trade policy, WTO decision making: a broken process , WTO Cancun Series Paper, issue no. 4 .
- [11] Morrissey, O and Rai, Y, 'The GATT Agreement on Trade Related Investment Measures: Implications for Developing Countries and their Relationship with Transnational Corporations', vol. 31, no. 5, The Journal of Development Studies, June 1995, pp. 702-724.
- [12] Narlikar, Amrita, 'Fairness in International Trade Negotiations: Developing Countries in the GATT and WTO', vol. 29, issue 8, World Economy, 2006.
- [13] Rena, Ravinder (2006) "WTO and Agriculture Trade Liberalization – A Focus on China", Madhya Pradesh Journal of Social Sciences, 11(1): 72-78.
- [14] Stiglitz, JE and Charlton, A, 2005, Fair Trade for All: How Trade Can Promote Development, Oxford University Press, pp. 61-63, 116.